

حاکمیت قانون و کارایی در نظام حقوق رقابت ایران

رضا طجرلو^{۱*}، محمدعلی کرباسیون^۲

چکیده

حقوق رقابت به دلیل ممانعت از انحصار و تشویق کسب و کارهای کوچک، زمینه‌ساز مناسبی برای کارایی است. این پژوهش در گام اول مفهوم کارایی، انواع و عوامل تأثیرگذار در آن را تبیین می‌کند و از مهم‌ترین عوامل فرااقتصادی آن به عامل حاکمیت قانون در فضای کسب و کار می‌پردازد. این تحقیق قصد دارد با بررسی ویژگی‌های حاکمیت قانون در فضای کسب و کار یعنی: قابلیت پیش‌بینی، تأمین فرصت و برخورد برابر و منصفانه حکومت، کاهش هزینه‌های مبادله و نبود مقررات دست‌وپاگیر موانع آن را در فضای حقوق رقابت ایران و راه‌حلهایی برای برون‌رفت از موانع حقوقی کارایی در نظام حقوق رقابت ایران بیابد.

کلیدواژگان

تأمین فرصت و برخورد برابر و منصفانه حکومت، حقوق رقابت، کارایی، کاهش هزینه‌های مبادله، قابلیت پیش‌بینی، نبود مقررات دست‌وپاگیر.

۱. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: rtajarlou@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
Email: dr.karbasion@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

مقدمه

حقوق رقابت شاخه‌ای از علم حقوق است که به کمک مفاهیم و ابزارهای اقتصادی سعی در ایجاد رقابت در بازار و ارتقا یا حداقل حفظ مراقبت از آن را دارد. به عبارت دیگر، حقوق رقابت یا ضدانحصار به قوانینی اطلاق می‌شوند که از رقابت آزاد در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری حمایت و از شکل‌گیری انحصار در این‌گونه فعالیت‌ها جلوگیری می‌کنند (نوروزی، ۱۳۸۴: ۹۳). به دیگر سخن حقوق رقابت، زمینه‌ساز کارایی و کارآمدی بیشتر مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار است. مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار، از عواملی به شمار می‌روند که به طور مشترک در اداره و عملکرد همه بنگاه‌ها در جامعه مورد مطالعه اثر می‌گذارند، اما تقریباً خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها هستند. محیط کسب‌وکار عمدتاً در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط بررسی و مطالعه می‌شود، زیرا بنگاه‌های بزرگ تاحدودی می‌توانند با صرف هزینه‌هایی مانند تبلیغات برای تغییر فرهنگ مصرفی و لابی‌کردن در محافل سیاست‌گذاری، عوامل خارجی مؤثر در اداره و عملکرد بنگاه‌هایشان را مهار کنند، اما بنگاه‌های کوچک و متوسط چنین قابلیت ندارند و به همین دلیل بهبود محیط کسب‌وکار برای بنگاه‌های کوچک و متوسط اهمیت زیادی دارد (جوادی و نعیمی، ۱۳۹۵: ۲). به دلیل عملکرد ضعیف شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و ناکارآمد بودن منابع دولتی و بعضاً فقدان یا کمبود چنین منابعی برای جبران نواقص شرکت‌های دولتی و در پی تحولات اساسی در اقتصاد جهانی و میل و تقاضا برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و به دنبال ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، چشم‌انداز جدیدی در اقتصاد ایران مطرح شد که هدف آن رشد اقتصادی و نیل به عدالت اجتماعی و کاستن بار مالی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سطح اشتغال عمومی از طریق فرایندی به نام خصوصی‌سازی است. فضای نهادی مناسب برای فعالیت بخش خصوصی، بازار به مفهوم اقتصادی آن است. موتور محرکه بازار و هدایت‌گر فعالیت‌هایش، فرایند یا چارچوبی نهادی به نام رقابت است که فضای کافی و حاصل‌خیزی را برای رشد و به ثمر نشستن فعالیت‌های مبتکران و خودجوش فردی فراهم می‌کند. وجود رقابت نیز فی‌نفسه در گرو وجود یک سلسله قواعد و ضوابط رسمی و غیررسمی و سازمان‌هایی است که عملکرد صحیح آن را تضمین می‌کنند.

کارایی

۱. تبیین کارایی و انواع آن

کارایی اقتصادی^۱ به معنای انجام‌دادن کاری به بهترین وجه و با بهترین نتیجه بدون هدردادن

1. Efficiency.

بی‌مورد وقت، انرژی و پول است. علم اقتصاد نیز از همین معنا دور نیفتاده است؛ به‌گونه‌ای که کارایی را به دست آوردن بهترین محصول و تولید از حداقل منابع موجود می‌گویند (نخعی و نجارزاده، ۱۳۸۲: ۹۳). به عبارت دیگر، تحلیل کارایی در چارچوب تخصیص منابع صورت می‌گیرد و وضعیت کارا به‌مثابه عنصر اساسی نظریه اقتصادی خرد در تحلیل وضعیت‌های بهینه تلقی می‌شود که هر دو کمیاب‌اند. با توجه به این مسئله، کارایی معیاری ایده‌آل در اقتصاد شناخته می‌شود (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۱۱۹). طبق توافق همگان حقوق رقابت باید به دنبال افزایش کارایی اقتصادی باشد و قواعد آن در این راستا اعمال شوند. بدین معنی که در تمیز اعمال ضد رقابتی از غیر آن‌ها ملاک باید کارایی باشد؛ اگر عملی موجب افزایش کارایی شود مجاز و در غیر این صورت، ضد رقابت و ممنوع خواهد بود (صادقی و غفاری‌فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). به طور اجمالی می‌توان بیان کرد که کارایی اقتصادی یعنی تولید با حداقل هزینه ممکن و به حداکثر رساندن منافعی که امکان به‌دست آوردن آن‌ها از منابع موجود از سوی مصرف‌کنندگان وجود دارد. کارایی اقتصادی متشکل از سه جزء کارایی ابتکاری یا پویا، تولیدی و تخصیصی است (Taylor, 2006: 12).

منطق اقتصادی حکم می‌کند که بقا و افزایش سهم بازاری محقق نخواهد شد، مگر آنکه با حداقل منابع و کمترین هزینه، بیشترین تولید ممکن را داشته باشند (کارایی تولیدی)؛ همچنین، در مقایسه با رقبا کمترین قیمت ممکن را تعیین و برای جلوگیری از هدررفت منابع، دقیقاً به میزانی که تقاضا در بازار وجود دارد تولید کنند (کارایی تخصیصی). افزون بر این، همواره برای جلب نظر مشتریان بیشتر، در اندیشه تولید محصولات جدید و برتر باشند و در این راه، دست به ابداع و ابتکار زنند (کارایی پویا). با اندکی تأمل در اهداف مذکور در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران از رهگذر نظامی مشابه با اقتصاد بازار را مدنظر داشته‌اند، زیرا با اشاره به اهدافی نظیر گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی به‌ویژه کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد زمینه‌های مناسب برای شکل‌گیری بازار را مدنظر قرار داده‌اند. مهم‌تر اینکه در کنار هدف قراردادن ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فن‌آوری، به افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی که موتور محرکه عملکرد بازار محسوب می‌شود، توجه ویژه شده است. در همین خصوص در بند «ه» سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی به تداوم اعمال حاکمیت عمومی دولت پس از ورود بخش‌های غیردولتی از طریق سیاست‌گذاری و اجرای قوانین و مقررات و جلوگیری از ایجاد انحصار از سوی بنگاه‌های اقتصادی و غیردولتی از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات تأکید شده است (رشوند، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

۲. عوامل تأثیرگذار در کارایی

برای کاربردی کردن و بهره‌مندی بیشتر از تئوری کارایی باید به عوامل مؤثر در آن نیز توجه کرد. این عوامل را در دو دسته کلی اقتصادی و فراق اقتصادی قرار می‌دهیم. عوامل اقتصادی عبارت‌اند از دو زیرگروه فنی-ساختاری و نظارتی-مدیریتی. عوامل فنی-ساختاری با فرض وجود حداقل‌های استاندارد از زیرساخت‌ها (ماشین‌آلات، کارخانه‌ها، تجهیزات موردنیاز، نیروی کار ماهر و غیرماهر به میزان کافی، وجوه لازم برای تأمین هزینه‌ها، نظام آموزشی و بهداشتی قابل قبول، سیستم نرم‌افزاری مانند محصول مؤسسات تحقیقاتی، مدل‌های موردنیاز، پایه‌های علمی و موارد مشابه)، شامل بازارهای کارآمد، اطلاعات و نظام اطلاع‌رسانی، ابزارهای کنترل کیفیت و استاندارد کالا و فرایند پژوهش عملیاتی خواهند بود. بنابراین نبودن اطلاعات لازم یا تقارن نداشتن اطلاعات در میان کارگزاران، سیطره بازارهای انحصاری یا انحصار چندگانه سبب کاهش کارایی خواهند شد. عناصر نظارتی-مدیریتی شامل سامان‌دهی، هماهنگی، انضباط و هدایت سازمانی، فقدان مراکز تصمیم‌گیری موازی، شفافیت گزارش‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، توجه به همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و کاربرد تجارت مربوطه در برنامه‌های ملی و نظایر آن می‌شوند. در نتیجه وجود مراکز تصمیم‌گیری موازی، هماهنگ نبودن دستگاه‌های ذی‌ربط، بی‌توجهی به تجارب ملی و بین‌المللی و فقدان نظارت کافی سبب ناکارآمدی در دستگاه‌ها خواهند شد (دادگر، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۳۱). سرانجام عوامل فراق اقتصادی شامل کفایت و شفافیت قوانین، رعایت قواعد بازی از سوی کارگزاران خصوصی و دولتی، وجود امنیت و نظم، فقدان تنش‌های داخلی و بین‌المللی، وجود سیستم‌های نرم‌افزاری فرهنگی (تولیدکننده سرمایه اجتماعی) مانند اعتماد متقابل، وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری، رفتار عقلانی و وجود ابزارهای نظارتی (مطبوعات رسانه‌های مستقل از حاکمیت، احزاب، تشکل‌ها و کنترل‌های اجتماعی) می‌شوند. مطالعات و تجارب مختلف نشان می‌دهند که هرگاه حداقل‌های لازم از عناصر و سیستم‌های ذکرشده فراهم باشند، انتظار کارایی جامع از دستگاه‌ها قابل قبول است و در غیر این صورت باید منتظر پیامدهای گوناگون ناکارآمدی بود.

۳. ارزیابی محیط کسب‌وکار در ایران

گزارش‌های «پیمایش‌های بنگاه (ES)» و «پیمایش‌های محیط کسب‌وکار و عملکرد بنگاه (BEEPS)» در زمره جدیدترین گزارش‌های ارزیابی کارایی در محیط کسب‌وکار است که به طور مستقیم از مصاحبه‌چهره به چهره با مدیران کسب‌وکارهای بخش خصوصی به روش علمی به دست می‌آید (ستایش و احمدیان، ۱۳۹۵: ۱). براساس ارزیابی تشکل‌های اقتصادی، در مجموعه مطالعات فصلی پایش محیط کسب‌وکار که از پاییز ۱۳۸۹ از سوی مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی جریان دارد، محیط مالی نامناسب بزرگ که از جمله آن می‌توان به «مشکل دریافت تسهیل از بانک‌ها» و «ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی» اشاره کرد در زمره مهم‌ترین موانع فعالان کسب‌وکار ارزیابی شده است (جوادی، ۱۳۹۴: ۲۷). محیط اقتصاد کلان بی‌ثبات به‌منزله دومین مانع محیط کسب‌وکار کشور ارزیابی شده است، «بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه»، «وابستگی تولید داخل به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای به‌منزله یک ویژگی مهم صنایع کشور» تلقی می‌شود. از دیگر شاخص‌ها می‌توان به اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان، وجود فساد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی، بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری و ضعف دادسراها در رسیدگی مؤثر به شکایت‌ها و اجبار طرف‌های قرارداد به انجام تعهدات نام برد. «زیادبودن تعطیلات رسمی»، «تولید کالاهای غیراستاندارد و تقلبی»، «تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی» و «تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه و عرضه کالاهای خارجی قاچاق در بازار داخلی» از زمره مؤلفه‌هایی هستند که از فرهنگ و ارزش‌های جامعه ریشه می‌گیرند یا با آن در ارتباط تنگاتنگ قرار دارند (جوادی، ۱۳۹۴: ۳۰).

حاکمیت قانون و کارایی در ایران

از مهم‌ترین عوامل فرااقتصادی کارایی، تعریف و جایگاه حاکمیت قانون در محیط کسب‌وکار است. هسته حاکمیت قانون متشکل از ارزش‌های پایدار «نظم» و «محدودیت» است که در شعار «حکومت قوانین نه حکومت شخص» متجلی شده است. اجماع حداقلی را که شرط شناسایی «مفهوم» حاکمیت قانون است، می‌توان در دو گزاره صورت‌بندی کرد: اول اینکه حکومت باید به شیوه عقلانی تصمیم گیرد و عمل کند، بدین معنی که تصمیمات و اعمال تصمیمات باید بر مبنای «دلایل» باشند و دوم اینکه دلایل باید به یک معنا «قانونی» باشند (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۲). اگر محیط کسب‌وکار را متشکل از عواملی بدانیم که در مدیریت بنگاه‌ها مؤثرند، در حالی که خارج از کنترل بنگاه‌ها قرار دارند، قوانین و مقررات در جایگاه مهم‌ترین عوامل در محیط کسب‌وکار ارزیابی می‌شوند. بر همین اساس است که می‌توان گفت مهم‌ترین موضوع در محیط کسب‌وکار «مقررات‌گذاری»^۱ است. «محیط حقوقی کسب‌وکار»^۲ در واقع متناظر با نظام حقوقی لازم‌الاجرا در هر کشور، اعم از قانون، مقررات، عرف، رویه قضایی و مانند این‌هاست و مهم‌ترین اجزای آن، قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌ها، قراردادها، آیین دادرسی مدنی و کیفری و مسئولیت مدنی است. نظریه حاکمیت قانون، ناظر بر ویژگی‌های این ساختار قانون، مختصات مراجع ساختار مذکور و مجریان آن است (مرکز

1. Regulation.

2. Legal Environment of Business.

مالگیری، ۱۳۹۲: ۱۱). الزاماتی که برای محیط کسب و کار قابل دسته‌بندی است و از طریق حاکمیت قانون تأمین و تضمین می‌شوند عبارت‌اند از: «قابلیت پیش‌بینی، تأمین و تضمین حقوق مالکیت، تأمین فرصت برابر و برخورد برابر و منصفانه حکومت، کاهش هزینه‌های مبادله، نبود مقررات دست‌وپاگیر».

۱. قابلیت پیش‌بینی

تجار و فعالان اقتصادی نیازمند قابلیت پیش‌بینی و قابلیت اعتماد در اعمال حقوق قراردادی و مالکیتی به‌منزله ابزارهایی برای محاسبه منافع مبادلات تجاری و تضمین فواید فعالیت‌های اقتصادی‌شان هستند. قواعد معطوف به آینده و برخورداری از ویژگی عام‌بودن، برابری اعمال و قطعیت، امکان تسهیل انجام مبادلات تجاری را فراهم می‌کنند، زیرا پیش‌بینی‌پذیری و قطعیت به تجار اجازه می‌دهد هزینه‌ها و فایده‌های احتمالی مبادلات پیش‌بینی‌شده را محاسبه کنند (Simon & others, 2004: 111). از دیگر دلایل اهمیت دستاورد پیش‌بینی‌پذیری حاکمیت قانون، چارچوب‌بندی اعمال مقامات اداری و دیگر اعضای قوه مجریه، به‌ویژه در اعمال صلاحیت‌های اختیاری‌شان است. ضرورت التزام به اصل حاکمیت قانون و الزامات ناشی از آن، فرصت رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و مغایر با نظام حقوقی حاکم را حتی به بهانه اعمال صلاحیت‌های اختیاری از مقامات اداری سلب می‌کند. به عبارت دیگر، تلاش برای پیش‌بینی‌پذیر کردن تصمیمات و اقدامات اداری در موقعیت‌های خاص است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵: ۴۱۱). ماده ۲۴ قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار» که اجرای شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری را در محیط کسب و کار تضمین می‌کند، بیان می‌دارد: «دولت و دستگاه‌های اجرایی مکلفند به‌منظور شفاف‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، هرگونه تغییر سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های اقتصادی را در زمان مقتضی قبل از اجرا، از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم برسانند. در تبصره ماده مذکور بیان می‌دارد، هیئت وزیران پس از کسب نظر مشورتی شورای گفت‌وگو، زمان موضوع این ماده را تعیین و اعلام می‌کند. مواردی که محرمانه‌بودن آن اقتضا داشته باشد، با تشخیص بالاترین مقام دستگاه اجرایی، مستثنی است». این ماده با بذل توجه به قاعده‌مند کردن اعمال حاکمیتی، گامی اساسی به‌منظور بهبود مستمر محیط کسب و کار برداشته است و در مواد دیگر این قانون بارها می‌توان شاهد وضع مقرراتی بود که بر پذیرش تئوری تعامل بین بازار و دولت دلالت دارد.

از مشکلات نظام حقوقی ایران در زمینه کسب و کار می‌توان، حجم انبوه قوانین و مقررات را در نظر گرفت. برای مثال، در موضوع مالیات‌های مستقیم، ویژگی اساسی نظام حقوقی، یعنی وضوح یا شفافیت و قابلیت دسترسی (یا قابلیت فهم و درک) را مخدوش می‌کند. مادامی که قوانین و مقررات به نحو مقتضی منتشر نشوند، امکان دسترسی همگان به آن‌ها وجود ندارد.

این انتشار با هدف تحقق «قطعیت حقوقی» و متعاقباً پیش‌بینی‌پذیر بودن اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۶-۶۸).

۲. تأمین و تضمین حقوق مالکیت

دستور در تعریف حقوق مالکیت بیان می‌کند: «منظور از حقوق مالکیت، همهٔ این حقوق شخصی و واقعی است که به دارندهٔ آن استحقاق انحصاری و لاینفک بر آن‌ها می‌دهد. به عبارت دیگر، قدرت بهره‌مندی آزادانه از آن‌ها، خلاص شدن آزادانه از آن‌ها، یا استفاده از آن‌ها با محروم کردن آن‌ها و یا با محدود کردن دیگران است» (دستور، ۱۳۸۵: ۲۸۰).

حدود و ثغور مالکیت خصوصی و عمومی در ایران، مانند بسیاری از کشورهای دیگر تابعی از معادلهٔ تعامل دولت و اقتصاد است. در ایران مهم‌ترین سند تاریخی تعیین‌کنندهٔ این تعامل اصولی، قانون اساسی و مقدمهٔ آن است که تعیین‌کنندهٔ اهداف بنیادین و بلندمدت از نظر اهداف اقتصادی است. مقدمهٔ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقطهٔ آغازین جریان خصوصی‌سازی را براساس حرمت مالکیت خصوصی بنا نهاده است. مقدمهٔ قانون اساسی به‌خوبی اهداف هنجاری خاصی را در زمینهٔ روابط اقتصادی ترسیم می‌کند که براساس آن اصولاً اقتصاد به‌خودی‌خود هدف نیست و باید در خدمت ارزش‌های دیگری باشد. این رویکرد و نگرش در فصل چهارم قانون اساسی و اصول ذیل این فصل به شکل واضح‌تری آمده است. روح حاکم بر اصل ۴۴ قانون اساسی بر اولویت اقتصاد دولتی و حداکثر اقتصاد تعاونی تأکید دارد. این جهت‌گیری در برخی اصول دیگر قانون اساسی مانند اصل ۱۳۹ و عدم ارجاع‌نکردن اموال عمومی و دولتی به داور و اصل ۴۹ که در آن محدودهٔ دخالت دولت چندان روشن نیست تشدید شده است. با استفاده از همین ظرفیت‌های اندک قانون اساسی و تدبیر مقام رهبری در تعیین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نه تنها اکثر قریب به اتفاق فعالیت‌های اقتصادی که در انحصار و کنترل دولت قرار دارند، باید به بخش خصوصی واگذار شوند و نقش دولت از مدیریت اقتصادی، مالکیت و کنترل عوامل تولید به هدایت، نظارت و سیاست‌گذاری تغییر یابد، بلکه گسترش و تعمیق منابع و سرمایه‌های انسانی، اجرای عدالت اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی تسهیل شده است (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸۶). در وضعیت کنونی ایران، موانع خصوصی‌سازی موفق شامل ناکارایی بازار سرمایه، مقررات دست‌وپاگیر، تطبیق‌نداشتن قانون مالیاتی، انقباضی عمل کردن بانک‌ها، انتظارات نامعقول بخش خصوصی از دولت، عملکرد نادرست مجریان، نبود حمایت فرهنگی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی از نهاد مالکیت خصوصی به صورت امری پایدار است (صفارزاده، ۱۳۸۲: ۲). یکی از مشکلات خصوصی‌سازی اشکالات ساختار بنگاه‌های دولتی است که سازمان و ساختار شرکت‌هایی که قابل عرضه به بازار باشند، باید مطابق اوضاع بازار تغییر کند (عبده تبریزی، ۱۳۸۶: ۲). تأکید قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (قانون خصوصی‌سازی) بر واگذاری درجه اول از طریق

بوس، سپس سایر روش‌ها به معنای قبول عرضه شرکت‌ها از طریق دیگر مانند مزایده نیز است. مواد ۲ و ۳ قانون مذکور بر این امر تأکید دارند که الگوی مالکیت را تبیین و تعریف کنند و فقط به نحوه توزیع ثروت اشاره نکنند، ضمن اینکه به نظر می‌رسد هدف اساسی در این موارد منحصرأ کارایی باشد نه نحوه توزیع. با آنکه در بخش تعاریف قانون خصوصی‌سازی لازم است تعاریف‌های مشخص و روشنی وجود داشته باشد، اما حداقل در دو مفهوم اصلی بنگاه و شرکت این روشنی و وضوح دیده نمی‌شود. در فصل تعاریف این قانون، بنگاه به واحد اقتصادی اطلاق می‌شود که در تولید کالا یا خدمات فعالیت می‌کند، اعم از آنکه دارای شخصیت حقوقی باشد یا حقیقی که مطابق ماده ۲۲۰ قانون تجارت چنین بنگاهی لاجرم شرکت تضامنی محسوب می‌شود (باقری، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵). از این گذشته قانون خصوصی‌سازی در بند ۴ فصل تعاریف، شرکت را شخص حقوقی تعریف می‌کند که با رعایت قانون تجارت یا قانون خاصی تشکیل شده است. به نظر می‌رسد که این دو اصطلاح نسبت عمومی و خصوصی من‌وجه دارند، اما حداقل در امر قانون‌گذاری لازم است این ابهام رفع شود.

از دیگر، مشکلات فرایند قانونی خصوصی‌سازی در ایران انحصارات اقتصادی دولتی است که می‌توان آن را به سه دسته تقسیم کرد (حسنوند، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۶): دسته اول، انحصارات قانونی است که مستقیماً به موجب قوانین خاص ایجاد شده‌اند که به‌منزله مصداق بارز آن، می‌توان به فراز دوم اصل ۴۴ قانون اساسی، یعنی کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست، تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن و مانند این‌ها که به صورت مالکیت عمومی است، اشاره کرد. دسته دوم انحصارات ایجادشده در عمل است. انحصاراتی که وجود آن‌ها زمینه قانونی خاصی ندارند، اما در عمل به دلایلی حالت انحصاری دارند، برای مثال می‌توان به سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه منابع آب و بهره‌برداری از تأسیسات آبی و شبکه‌های توزیع آب کشاورزی و شهری اشاره کرد که تا حد قریب به انحصار در اختیار بخش دولتی است و این امر عمدتاً به لحاظ سنگین بودن سرمایه‌گذاری‌ها و اطمینان‌نداشتن از بازگشت سرمایه بوده است. با تشکیل شرکت آب و فاضلاب (۵۱ درصد خصوصی) از سال ۱۳۷۱ انحصاری بودن شکل سرمایه‌گذاری بخش آب و فاضلاب، ظاهراً مخدوش شد، اما مدیریت این شرکت‌ها کماکان دولتی است. هزینه طرح‌های توسعه از منابع دولتی و هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری از محل درآمدهای شرکت‌ها تأمین می‌شود. از سال ۱۳۷۲ شرکت‌های بهره‌برداری از شبکه‌های آب و کشاورزی به صورت موردی تشکیل شده‌اند که ماهیت خصوصی-دولتی دارند و نتیجه عملکرد آن‌ها هنوز مشخص نشده است.

دسته سوم انحصاراتی است که به دلیل سرمایه و امکانات دولت در جهت حذف رقبای بالقوه است که از جمله می‌توان بنیاد مستضعفان را نام برد. این بنیاد به موجب

لایحه قانونی اساس نامۀ بنیاد مستضعفان، بدون اینکه هزینه‌ای نسبی دربر داشته باشد، سرمایه‌های قابل ملاحظه‌ای در اختیارش قرار گرفته است. استفاده از این امکانات عملاً امکان رقابت و فعالیت بخش خصوصی در زمینه‌های مشابه را سلب یا محدود کرده است. نکته ذکر شده درخصوص شرکت‌های وابسته به برخی دیگر از نهادهای عمومی غیردولتی نیز صادق است.

۳. تأمین فرصت و برخورد برابر و منصفانه حکومت

تضمین حقوق مالکیت خصوصی، پیش شرط فراگیر بودن نهادهای اقتصادی محسوب می‌شود. به عبارت روشن‌تر، «یک نظام حقوقی بی‌طرف باید به وجود آید و ارائه خدمات عمومی نیز برای همه یکسان باشد و فرصت و زمینه مشارکت برای همه افراد در تبادل کالاها و خدمات و انعقاد قراردادها باید به صورت یکسان صورت گیرد. علاوه بر این، امکان ورود کسب و کارهای جدید و انتخاب دوره شغلی و کاری برای مردم باید همه جا یکسان باشد» (آتش‌بار و یداللهی، ۱۳۹۲: ۲۵). ماده ۴۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بیان می‌دارد: «تمام اشخاص حقیقی و حقوقی، بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی مشمول مواد این فصل (تسهیل رقابت و منع انحصار) هستند». یکی از پژوهشگران حوزه رقابت در بحث راجع به قلمرو حقوق رقابت مدعی است که معیار انجام دادن فعالیت اقتصادی، بهترین معیار برای تعیین مشمولان حقوق رقابت است و به‌صراحت مقرر می‌دارد که آنچه اهمیت دارد تصدی به عمل اقتصادی است و مالکیت دولتی یا خصوصی آن، محلی از اعراب ندارد، هرچند وی اعمال مقررات حقوق رقابت را بر اعمال حاکمیتی دولت نمی‌پذیرد و شمول نظارت‌های رقابتی بر اعمال حاکمیتی دولت را از باب مقررات حقوق رقابت، بلکه از باب شمول سیاست رقابتی می‌داند. وی با استناد به رویه قضایی اتحادیه اروپا برای فعالیت‌های اقتصادی سه ویژگی قائل است: الف) عرضه (اعم از تولید و توزیع) هر نوع کالا (اعم از منقول و غیرمنقول) یا هر نوع خدمت به بازار معین؛ ب) امکان بالقوه رقابت و کسب سود بنگاه‌های خصوصی در آن عمل و ج) امکان وجود خطر اقتصادی و زیان مالی در انجام عمل موردنظر. در صورتی که عملی حاوی عرضه هیچ‌گونه کالا یا خدمتی نباشد (همانند مصرف) یا امکان رقابت برای بنگاه‌های خصوصی و کسب سود در آن‌ها وجود نداشته باشد (مانند عرضه کالاهای عمومی همچون دفاع ملی) یا آنکه در نتیجه آن عمل، هیچ خطر مالی متوجه اقدام‌کننده نباشد، عمل یادشده فعالیت اقتصادی نیست. نهادها و سازمان‌های دولتی به شرط انجام فعالیت‌های اقتصادی بنگاه شمرده می‌شوند و دولتی بودن آن‌ها مانع از اعمال قواعد حقوق رقابت نیست. بنابراین، هنگام اعمال صلاحیت‌ها و وظایف عمومی و حاکمیتی از شمول مقررات مستثنا خواهند بود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۶).

قانون‌گذار، در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ماده ۸، بیان می‌دارد: «هر امتیازی که برای بنگاه‌های دولتی با فعالیت اقتصادی گروه یک و دو ماده ۲ این قانون مقرر شود، عیناً و با اولویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی،

تعاونی و عمومی غیردولتی باید در نظر گرفته شود». این ماده به صراحت به امتیازات برابر میان بخش خصوصی و دولتی تأکید می‌کند و در تبصره آن دولت را طی سه ماه پس از تصویب این قانون، مکلف به لغو یا تعمیم کلیه امتیازات موجود موضوع این ماده کرده است.

از مهم‌ترین مصادیق تأمین فرصت و برخورد برابر و منصفانه حکومت می‌توان به مسئولیت برابر دولت و بخش خصوصی در اعمال تصدی‌گرایانه اشاره کرد. اعمال تصدی‌گرایانه، به اعمالی اطلاق می‌شود که در آن‌ها نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی‌شود، بلکه با همان شرایطی که برای افراد مقرر شده است، عمل می‌کند و به همین جهت اعمال مزبور از نظر حقوق عمومی نظیر اعمال عادی افراد است. برای مثال، می‌توان به فروش، اجاره، رهن، قرض و ... اشاره کرد (مؤتمنی، ۱۳۸۵: ۳۹۱). امروزه اعمال اصل مصونیت مطلق خلاف عدالت و تساوی یادی میان فعال خصوصی و نهاد اقتصادی دولتی است. شخصیت حاکمه دولت که مصون از تعقیب قضایی و اجرایی است، برای تصدی دولت در فعالیت‌هایی که اغلب از سوی اشخاص خصوصی انجام می‌شود، مانعی ایجاد نمی‌کند. هرچند در گذشته دولت‌ها کمتر به این گونه فعالیت‌ها می‌پرداختند، اما با به‌وجود آمدن ضرورت تصدی دولت‌ها در امر تجارت، آن‌ها نیز مانند اشخاص حقوق خصوصی «ناگزیر از داراشدن اموال، بدهکار و طلبکار شدن هستند» اعمالی که آن‌ها را از شخصیت حاکمه‌شان جدا می‌کند. در اینجا دولت، نه در جایگاه صاحب حاکمیت، بلکه در جایگاهی مشابه اشخاص خصوصی دست به فعالیت‌هایی می‌زند. به عبارت دیگر، دولت بی‌آنکه از حقوق حاکمه‌اش هزینه کند، در فعالیت‌هایی عادتاً تجاری و غیرعمومی مشارکت می‌کند. بدیهی است که در چنین شرایطی، صرف‌نظر از مواردی که دولت این فعالیت‌ها را با دولت‌های دیگر انجام می‌دهد، اعطای مصونیت عین بی‌عدالتی و مانعی در بسط و توسعه روابط تجاری خواهد بود، زیرا در صورت بروز اختلاف، دولت مصون خواهد توانست با طرح دعوی در محاکم دولت متبوع شخص خصوصی، یا در صورت توافق، در کشور ثالث یا احیاناً در دادگاه‌های خویش حقوق از دست‌رفته خود را اعاده کند، اما از جانب طرف خصوصی، قرارداد در صورتی که دولت داوطلبانه از مصونیت خود صرف‌نظر نکند، وجود مصونیت مانع از احقاق حق یا جبران خسارت ادعایی طرف قرارداد خواهد شد؛ حال آنکه شخصی که اقدام به تجارت می‌کند می‌بایست الزامات روابط تجاری را نیز بپذیرد. بنابراین، در تحلیل نهایی می‌بایست مبنای تئوری مصونیت محدود را در اراده ضمنی دولت‌ها در محدود کردن مصونیت آن‌ها دانست (رستمی و کمرخانی، ۱۳۹۴: ۴۴۸). قوانین داخلی ایران از جمله قانون مسئولیت مدنی، قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون دیوان عدالت اداری، قانون تعیین مرجع داری بین افراد و دولت و بسیاری قوانین دیگر حکایت از نبود مصونیت برای اعمال تصدی دولت دارد.

۴. کاهش هزینه‌های مبادله

هزینه‌های مبادله چنین تعریف شده است: «عوامل بازار برای آنکه قادر به انجام دادن مبادله‌ای با

امنیت شوند، مجبور به تقیل هزینه‌ها هستند تا بفهمند فرصت‌های مبادله چگونه و کجا رخ می‌دهد و مخاطرات و نااطمینانی‌های احتمالی کدام است. این هزینه‌ها اصطلاحاً هزینه‌های مبادله نام دارند (گروینوگن، اسپیتهوون و دی‌برگ، ۱۳۹۱: ۴۱). هزینه‌های مبادله اقسام مختلفی دارند. در دسته‌بندی کلان، هزینه‌های مبادله به سه دسته کلی هزینه‌های مبادله از لحاظ مبادلات بازار، هزینه‌های مبادله مربوط به مبادلات مدیریتی و هزینه‌های مبادلات سیاسی دسته‌بندی شده‌اند. برای مثال، هزینه‌های مبادله از لحاظ مبادلات بازار مشتمل بر سه دسته شناسایی شده‌اند: «نخست، هزینه‌های جستجو و اطلاعات؛ دوم، هزینه‌های تهیه و پیش‌نویس قرارداد، مذاکره و عقد نهایی قرارداد و سوم هزینه‌های نظارت و اجرا» (گروینوگن، اسپیتهوون و دی‌برگ، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۴). دلایل ایجاد هزینه‌های مبادله نیز از دیگر مباحث درخور توجه است. دلایل مذکور را می‌توان در چهار دسته به این شرح تبیین کرد: «فقدان اطلاعات، عقلانیت محدود، فرصت‌طلبی، درجهٔ تحدید دارایی و مالکیت» (صابری نمین، ۱۳۸۷: ۸۲-۹۱).

یکی از مشکلات ساختاری در کشورهای در حال توسعه، بالابودن چشمگیر هزینه‌های مبادله شناسایی شده است. برای مثال، بی‌ثباتی مالکیت و نقض حق مالکیت، به هزینهٔ مبادلهٔ بالای انجام مبادلات از طرق رسمی (بازار) نسبت داده شده است، این در حالی است که اگر هزینه‌های مبادله، قابل قبول و قابل پیش‌بینی باشد، نقش «توزیع‌کنندگان خارج از بازار» کم‌رنگ‌تر خواهد شد و تبعاً، امکان سوءاستفاده و فساد کاهش خواهد یافت (حسین‌خان، ۱۳۸۸: ۲۵۴-۲۵۶).

در اوضاع و احوال نظام حقوقی ایران، تدوین و تنقیح صورت نگرفته است، دسترسی به مقررات معتبر و لازم‌الاجرا، به لحاظ دشواری تشخیص آن‌ها، سبب ائتلاف بیهودهٔ بخشی از ساعات کار روزانهٔ مراجعان به قانون است، اما با انجام فرایند تدوین و تنقیح قوانین و صرفه‌جویی در اوقات مزبور، روند انجام کار و پیشبرد کمی و کیفی امور تسهیل می‌شود (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۸ و جباری‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۴). از دیگر مشکلات مهم بر سر حوزهٔ کسب‌وکار و قوانین، که موجب سردرگمی و افزایش هزینه‌های مبادله در اتخاذ تصمیم فعالان حوزهٔ کسب‌وکار می‌شود، «پیچیدگی قوانین و مقررات» است. هرچه ابهام و پیچیدگی قوانین و مقررات بیشتر باشد، به همان اندازه برنامه‌ریزی اشخاص برای فعالیت در پرتو آن مقررات دشوار می‌شود. اگر قابلیت پیش‌بینی معقول و تاحدی قابل اتکای آینده را یکی از لوازم اصلی کسب‌وکار بدانیم، قانون ابزار اصلی فراهم‌کنندهٔ این ضرورت محسوب می‌شود. برای مثال، در یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، صاحبان کسب‌وکار امکان برنامه‌ریزی و قابلیت پیش‌بینی حوزهٔ فعالیت خود را با تغییرات پی‌درپی قوانین مالیاتی از دست خواهند داد. نتیجهٔ این وضعیت، به احتمال بسیار زیاد، سرپیچی، طفره‌رفتن، به اصطلاح «دورزدن» و گریز از اجرای قانون خواهد بود. علاوه بر این، نوعی بدبینی و سوءظن نسبت به حکومت طی زمان شکل خواهد گرفت، به این ترتیب که صاحبان کسب‌وکار به جای آنکه حکومت را پشتیبان خود تلقی کنند، آن را

نهادی می‌پندارند که به انحای مختلف - و در موضوع مورد بحث، از طریق تصویب مکرر قوانین و مقررات تغییر زود هنگام آن‌ها - در پی ایجاد مانع در فعالیتهای اقتصادی است. تلقی «رقیب» یا «مزاحم» به جای «شریک» و «مشوق» از حکومت، یکی از پیامدهای مقررات‌گذاری غیراصولی است.

۵. نبود مقررات دست‌وپاگیر

مفهوم مقررات دست‌وپاگیر با استفاده از ادبیات راجع به «مقررات‌گذاری» به‌ویژه در خصوص «بار مقررات»^۱ و سنجش و ضرورت متناسب‌سازی یا کاهش آن برای کسب‌وکارها، تبیین می‌شود. مقررات دست‌وپاگیر در معنای موسع خود، به معنای تشریفات زائد اداری، کاغذبازی یا مقرراتی است که اجرای آن‌ها مستلزم هزینه‌های غیر قابل پیش‌بینی و غیرمعقول برای کسب‌وکارها و احیاناً توزیع ناعادلانه رانت‌هاست (مرکز مالگیری، ۱۳۹۲: ۳).

اندیشمندان حقوق در خصوص «مقررات‌زدایی» که راه چاره با نظام مقرراتی دست‌وپاگیر است، ذکر دو نکته را مفید می‌دانند: نخست، هزینه‌های مختلف قوانین و مقررات واجد اهمیت است نه تعداد آن‌ها. بدین ترتیب که نمی‌توان به‌سادگی تعداد قوانین و مقررات را ملاکی برای ارزیابی بار مقرراتی یا دست‌وپاگیر بودن نظام مقرراتی کشور در نظر گرفت. برای مثال، «قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران» (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵) یا «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۸)، دو قانونی محسوب می‌شوند که نمی‌توان آن‌ها را در کنار قوانین متعدد اصلاحی و الحاقی، دارای وزن یکسان دانست. در خصوص موضوع مورد بحث، قوانین باید بر مبنای حجم، موضوع، نوع و ... دسته‌بندی شوند و آن‌گاه با استفاده از روش دقیق، بار (هزینه اجرا) آن‌ها برای محیط کسب‌وکار ارزیابی شود. البته چنین مطالعه‌ای بسیار دشوار و زمان‌بر است.

دوم، نکته دیگر اینکه با چه معیاری باید قانون یا مقرره‌ای را «مازاد» دانست؟ روش تشخیص قوانین یا مقررات «مازاد» و توصیه به حذف یا لغو آن‌ها نیز نیازمند انجام فرایندهایی مانند ارزیابی تأثیرات مقررات (RIA) است. در واقع هر توصیه‌ای برای حذف مقررات دست‌وپاگیر، باید با در نظر گرفتن پیچیدگی‌ها و دشواری‌های روش اجرای توصیه‌های ارائه‌شده باشد، در غیر این صورت، توصیه‌های مطرح‌شده هیچ‌گاه اجرایی نخواهند شد، کما اینکه متأسفانه واقعیت‌های کشور ما نیز دلیلی بر صحت ادعای پیش‌گفته است. به نظر می‌رسد راهکاری که همچنان در ایران با وجود تأکید فراوان بر اهمیت آن، در عمل اجرایی نشده است، همچنان تدوین و تنقیح قوانین و مقررات است که منتج به شکل‌گیری چند مجموعه قوانین (قانون جامع) موضوعی خواهد شد.

1. Regulatory Burden.

نتیجه گیری

کارایی اقتصادی به معنای انجام دادن کاری به بهترین وجه و با بهترین نتیجه بدون هدر دادن بی مورد وقت، انرژی و پول است. از مهم ترین عوامل فرااقتصادی کارایی، تعریف و جایگاه حاکمیت قانون در محیط کسب و کار است. الزاماتی که برای محیط کسب و کار قابل دسته بندی است و از سوی حاکمیت قانون تأمین و تضمین می شوند عبارتند از: «قابلیت پیش بینی، تأمین و تضمین حقوق مالکیت، تأمین فرصت برابر و برخورد برابر و منصفانه حکومت، کاهش هزینه های مبادله و نبود مقررات دست و پاگیر». وجود حجم انبوه قوانین و مقررات، اصلاحات پی در پی آن و پیچیدگی فهم قوانین لازم برای محیط کسب و کار را می توان مانعی برای قابل پیش بینی بودن قوانین، هزینه های مبادله ای و مقررات دست و پاگیر دانست که راه حل آن ها تنقیح قوانین و مقررات، تدوین آن ها در چند مجموعه قانونی با موضوعات یکسان و حذف قواعد غیر ضروری با توجه به هزینه های آن ها است. نگاه تحریمی به مالکیت خصوصی در قانون اساسی، کلی گویی قانون گزار در تعاریف مفاهیم اصلی همچون بنگاه و شرکت، وجود انحصارات اقتصادی دولت (انحصارات قانونی، ایجاد شده در عمل و ایجاد شده به دلیل سرمایه و امکانات دولت) موانعی برای تأمین و تضمین حقوق مالکیت است و راه حل آن را می توان به تعریف دقیق قانونی مفاهیم خصوصی سازی و رفع انحصارات اقتصادی دولت و واگذاری آن به بخش خصوصی احاله داد. اعمال مصونیت مطلق دولت در اعمال اقتصادیش مانعی بر اجرای ویژگی «تأمین فرصت برابر و برخورد منصفانه حکومت» است، لذا پیشنهاد می شود دولت در اعمال تصدی گرایانه با اشخاص حقوق خصوصی در قبال اعمال تصدی گرایانه خود دارای مسئولیت محدود باشد و به دلیل جلوگیری از فساد و انحراف در مقررات گذاری، باید بر فرایند مقررات گذاری از سوی شورای رقابت نظارت صورت گیرد و به شورای مذکور این امکان داده شود تا بتواند اعتراض و شکایت خود را نسبت به رویه ها و تصمیمات غیر رقابتی در مراجع صالح پیگیری کند.

منابع

الف) فارسی

- کتاب ها

۱. خضری، محمد (۱۳۸۴). *اقتصاد رانت جویی: بررسی زمینه های رانت جویی در نظام بودجه ریزی ایران*، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
۲. دسوتو، هرماندو (۱۳۸۵). *راز سرمایه: چرا سرمایه داری در غرب موفق می شود و در جاهای دیگر شکست می خورد؟*، مترجم فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.

۳. رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۹). خصوصی سازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۰). حقوق رقابت در فقه امامیه؛ حقوق ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۵. سماواتی، حشمت الله (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر حقوق رقابت تجارتي و نقش آن در سياست‌گذاري و تنظيم بازار، تهران: انتشارات فردوسی.
۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۵). حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت.
۷. عبده تبریزی، حسین (۱۳۸۷). تحلیل ساختاری شرکت‌های سهامی عام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
۸. غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۳). حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن، تهران: نشر میزان.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، تهران: نشر میزان.
۱۰. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون؛ مفاهیم، مبانی و برداشتها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۱. مصلی نژاد، غلام عباس (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران: انتشارات قومس.
۱۲. نخعی آغیمونی، منیژه و نجاززاده، رضا (۱۳۸۲). واژه‌های کلیدی اقتصاد خرد و کلان، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

– مقالات

۱۳. انصاری، باقر (۱۳۸۶). «تنقیح قوانین و مقررات: تدابیری برای مبارزه با ابهام حقوقی»، فصل‌نامه اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۱۱.
۱۴. آتش‌بار، توحید و یداللهی، الهام (۱۳۹۲). «خلاصه نقد کتاب چرا ملت‌ها شکست می‌خورند»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۱۹۳.
۱۵. باقری، محمود و غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۱). «قلمرو حقوق رقابت از حیث اشخاص مشمول»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۶۵.
۱۶. باقری، محمود (۱۳۹۰). «نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی»، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
۱۷. پورپرتویی و دیگران (۱۳۸۸). «مقایسه تطبیقی انحصار و تمرکز در برخی از صنایع کشور»، پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۴.
۱۸. جباری زاده، محمدحسین (۱۳۸۹). «مقدمه‌ای بر اصول و قواعد تنقیح قوانین (مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۹. جوادی، شاهین و نعیمی، زهرا (۱۳۹۵). «پایش محیط کسب‌وکار در ایران در زمستان

- ۱۳۹۴ (ارزیابی ۲۳۳) تشکل اقتصادی سراسر کشور از مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار در ایران»، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه کسب‌وکار)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، شماره مسلسل ۱۴۹۱۹.
۲۰. جواد، شاهین (۱۳۹۴). «الگوی راهبردی حمایت از تولید: ۱. محیط کسب‌وکار»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۴۶۸۸.
۲۱. _____ (۱۳۹۴). «تحلیلی بر محیط کسب‌وکار و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۴۳۷۵.
۲۲. حسین‌خان، مشتاق (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب و سیاست‌های مبارزه با فساد در کشورهای در حال توسعه»، مترجم شعبان نجف‌پور و محمدجواد حق‌شناس، مجله دانش/ارزیابی، شماره ۲.
۲۳. حسنونند، محسن (۱۳۸۸). «حقوق عمومی اقتصادی: انحصارات دولتی ایران»، فصل‌نامه راهبرد، شماره ۵۰.
۲۴. خلعتبری، فیروز (۱۳۹۲). «کنکاشی درمورد جایگاه آمارها و معیارها در اقتصاد ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۲۵۲.
۲۵. دادگر، یدالله (۱۳۸۶). «مروری بر تحولات مقوله کارایی در ادبیات اقتصادی (نظریه‌ها و کاربردها)»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۳.
۲۶. رستمی، ولی و کمرخانی، ایام (۱۳۹۴). «اعمال مقررات حقوق رقابت بر اعمال حاکمیتی و تصدی دولت»، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۳، دانشگاه تهران، تهران.
۲۷. سبحانی، جعفر (۱۳۹۵). «پای لنگ خصوصی‌سازی در ایران»، روزنامه جام‌جم، هفتم مرداد، شماره خبر: ۲۴۸۴۴۱۵۴۰۵۰۸۷۴۴۱۲۷۸.
۲۸. ستایش، هدیه و احمدیان، مریم (۱۳۹۵). «پیمایش بنگاه و پیمایش‌های محیط کسب‌وکار و عملکرد بنگاه؛ مروری بر روش‌شناسی»، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه کسب‌وکار)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، شماره مسلسل ۱۴۸۴۵.
۲۹. صابری‌نمین، مهتاب (۱۳۸۷). «تأثیر حقوق مالکیت بر هزینه‌های مبادله»، مجله حقوق و اقتصاد، شماره ۱.
۳۰. صادقی‌مقدم، محمدحسن و غفاری‌فارسانی، بهنام (۱۳۹۰). «روح حقوق رقابت: مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵.
۳۱. صفارزاده، غلامرضا (۱۳۸۱). «موانع خصوصی‌سازی در ایران»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۲۹.
۳۲. صمدی، علی حسین؛ رنایی، محسن، دلالی‌اصفهانی، رحیم (۱۳۸۹). «مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی»، فصل‌نامه حقوق، شماره ۱۰۱.

۳۳. _____ (۱۳۹۱). «قلمرو حقوق رقابت از حیث اشخاص مشمول»، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۶۵.
۳۴. گروینوگن، جان؛ اسپیتیهوون، آنتون و دی برگ، آنتون (۱۳۹۱). «مقدمه‌ای بر اقتصاد نهادگرا»، مترجم اصلان قودجانی، مرکز پژوهش‌های مجلس.
۳۵. گزارش عملکرد سازمان خصوصی‌سازی در سال ۱۳۹۴ (۱۳۹۵). «سازمان خصوصی‌سازی»، تهران.
۳۶. _____ (۱۳۹۲). «حاکمیت قانون و محیط کسب و کار»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۳۵۳۸.
۳۷. نوروزی، مشیت‌الله (۱۳۸۴). «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور»، مجله دانشکده علوم انسانی (دانشگاه امام حسین)، شماره ۶۱.

ب) انگلیسی

- Books

38. Industry Commission (1991). *Annual Report Canberra*, government publisher.
39. Marines CU, N (2005). *Empirical research on the economic efficiency Brasov*, Transilvania University Press.
40. Sen, A (1992). *Inequality reexamined*, Cambridge, Harvard University Press.
41. Simon & Schuster (2004). *On the Rule of Law: History, Politics, Theory* Cambridge, Cambridge University.
42. Taylor Martyn (2006). *International competition Law; A New Dimension for the WTO?*, Newyork, Cambridge University press.

- Article

43. Dalton, J & Diobek, C (2005). "Control Bank Losses, IMF", Statistic Department.
44. Guislain, Pierre (1997). "The Privatization Challenge", the World Bank.
45. Quiggin, J (1995). "suboptimality of Efficiency", Economic Letters.
46. Shane, S. & Venkataraman, S. (2000). "The promise of entrepreneurship as a Field of research", Academy of management Review, 26(1).